

درآمدی بر پیشگیری وضعی و گونه‌های آن

دکتر عباس شیری^۱

چکیده

پیشگیری وضعی^۲، نوعی از پیشگیری غیرکیفری یا کنشی است که تأکید بر وضعیت و موقعیت، زمان و مکان وقوع جرم دارد؛ به‌گونه‌ای که ارتکاب جرم برای بزهکار سخت‌تر می‌شود، یا فرصت ارتکاب جرم از وی گرفته می‌شود و یا خطر شناسایی و دستگیری وی را افزایش می‌دهد.

این اقدامات مقدم بر وقوع جرم است؛ بنابراین پیشینی نیز نامیده می‌شود. این اقدامات ممکن است ناظر به وظایف و تکالیف نهادهای پلیسی باشد. این نوع از پیشگیری وضعی، پیشگیری انتظامی یا پلیسی^۳ نامیده می‌شود (مانند حضور پلیس در جامعه از طریق گشت‌های سیار، پاسگاه‌ها، کلابتری‌ها و نظایر آن‌ها، استفاده از تجهیزات فنی نظیر دوربین‌های مداربسته در اماکن عمومی، انگشت‌نگاری اجباری در فرودگاه‌ها و ترمینال‌های مسافری و ایجاد پست‌های ایست‌وبازرسی سیار در گلوگاه‌ها). گونه دیگر آن ناظر به اقدامات دولت و شهرداری‌ها در طراحی و معماری شهری است. نحوه خیابان‌کشی‌ها، روشنایی، معماری ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی و... می‌تواند بر کاهش یا افزایش جرم تأثیرگذار باشد.

^۱ استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران

^۲ *Situational Crime Prevention.*

^۳ البته اقدامات پیشگیرانه پلیس محدود به پیشگیری وضعی نیست؛ بلکه پلیس در خصوص پیشگیری‌های کیفری و اجتماعی نیز می‌تواند مؤثر باشد، ولی عمده فعالیت آن مربوط به پیشگیری وضعی است.

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام و ذکر تحقیقات کاربردی پلیس به‌نگاری ناجا مجاز می‌باشد

واژگان کلیدی: پیشگیری وضعی، پیشگیری پلیسی، طراحی محیطی، بزه‌دیده، بزه‌کار.

مقدمه

جرم در یک فضای مکانی مانند منزل مسکونی، خیابان، اتوبوس، مراکز خرید، پارک، سینما، هتل، کارخانه و به‌طور کلی بخشی از شهر، یا موقعیت زمانی مانند شب یا روز اتفاق می‌افتد.

آکپلوم در تعریف پیشگیری از جرم می‌نویسد: «تلاش‌هایی است برای کاهش خطر رویدادهای مجرمانه و سوءرفتارهای مرتبط با آن با انجام اقداماتی در مورد علل بروز آن‌ها با هدف ایجاد تغییراتی قابل توجه در وقوع جرایم یا ترس از جرم.»^۱ شنایدر و کیچن بعد از نقل تعریف بالا بر نقش مکان در وقوع جرم در محیط شهری تأکید می‌کنند و بر دیدگاه مهندسان جرم‌شناسی محیطی صحنه می‌گذارند که: «بدون یک فضای زمانی و مکانی ... جرمی اتفاق نمی‌افتد» (به نقل از شنایدر؛ کیچن، ۱۳۸۷، ۱۸). در گذشته به اندازه کافی بر روی علل ارتکاب جرم^۲ (روانی، زیستی و اجتماعی) مطالعه صورت گرفته است. همچنین به اندازه کافی بر اصلاح و درمان بزه‌کاران توجه شده است، ولی همچنان آمار جرم افزایش یافته است. بنابراین رفته‌رفته تغییری مهم در سیاست‌های مقابله با جرم اتفاق افتاد. یکی از این تغییرات توجه بیشتر بر پیشگیری وضعی از وقوع جرم است.

^۱ در مقابل جرم‌شناسی علت‌شناسی که یافتن علت بزه‌کاری را مرکز ثقل فعالیت‌های خود قرار می‌دهد، رفته‌رفته شاهد ظهور اندیشه‌های دیگری در جرم‌شناسی در دهه‌های اخیر هستیم که بیشترش تأکیدش بر بزه‌کار، بزه‌دیده، واکنش نهادهای رسمی دولت و واکنش عموم است. امروزه این اندیشه به نام واقع‌گرایی چپ در جرم‌شناسی شناخته می‌شود. جی یانگ در این‌باره می‌نویسد: «بنیادی‌ترین واقع‌گرایی آن است که جرم‌شناسی نسبت به سرشت جرم، وفادار باقی بماند. بدین معنا که باید شکل جرم، بافت اجتماعی جرم، ترکیب جرم، سیر جرم در طول زمان و وضع آن در مکان را مورد توجه قرار دهد.» (والک لیت، ۱۳۸۶، ۹۴)

نایجل ساوت، جرم‌شناس انگلیسی، در تعریف پیشگیری وضعی می‌نویسد: «پیشگیری وضعی از جرم بر اداره، طراحی و کنترل محیط فیزیکی (ساخته‌شده) اتکا دارد. به این منظور فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش داده و یا خطر تعقیب را، در صورتی که ارباب مؤثر واقع نشود، افزایش می‌دهد».^۱

در پیشگیری وضعی به موقعیت‌های بزه‌آفرین توجه می‌شود. این رویکرد، کُنشی است و برای پلیس، شهرداری‌ها، نهادهای مردمی و حتی آحاد جامعه وظایفی در نظر می‌گیرد و شاخه‌های متنوع پیشگیری وضعی (مانند پیشگیری پلیسی یا انتظامی)، طراحی محیطی و رویکرد چندنهادی را در مقابله با جرم تقویت می‌کند.^۲ در این مقاله به برخی از گونه‌های پیشگیری وضعی از جرم اشاره می‌شود.

الف- پیشگیری پلیسی^۳

کوهن و فلسون خاطر نشان می‌کنند: «بیشتر جرم‌های خشن و جرم‌های علیه اموال و مالکیت، متضمن تماس مستقیم بین مجرم و آماج - یعنی شخص یا مال بزه- دیده - هستند. بنابراین، این جرم‌ها نیازمند همگرایی زمانی و مکانی یک مجرم انگیزه- دار، یک آماج مناسب و نبود یک نگهبان توانا (مانند پلیس) برای پیشگیری از جرم است» (ولد، ۲۱۳).

امروزه بر نقش پلیس در پیشگیری از جرم تأکید می‌شود. «استقرار پلیس در فضای جغرافیایی معین یا گشت‌های پلیس در مکان‌ها و محل‌های معین در چارچوب

^۱. به نقل از: صفاری، علی (۱۳۸۰)، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، ۲۹۸، مندرج در مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۴-۳۳، دانشگاه شهید بهشتی دانشکده حقوق، صص ۲۶۷ تا ۳۲۱.

^۲. ر.ک: شیری، عباس (۱۳۸۷)، پیشگیری از نظریه تا مدل، پلیس و پیشگیری از جرم، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

^۳. پلیس در زمینه پیشگیری اجتماعی و کیفری هم دارای کارکرد است. در این مقاله فقط به نقش پلیس در ارتباط با پیشگیری وضعی اشاره شده است.

پیشگیری وضعی قرار می‌گیرد؛ زیرا بدین ترتیب وضعیت و اوضاع و احوال ماقبل و مشرف بر بزهکاری به ضرر مجرم تغییر می‌کند و دست‌کم مجرم را از ارتکاب جرم در آن محدوده یا نسبت به آن آماج معین منصرف می‌کند. گشت‌های پیاده و سوار پلیس را نیز به پیشگیری پویا تعبیر کرده‌اند. زیرا فرآیند گذار از طرح و اندیشه مجرمانه را منقطع و مختل می‌کند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱، ۱۴۰).

پیشگیری پلیسی که در ایران به پیشگیری انتظامی هم شناخته می‌شود، در قوانین و مقررات مختلف بازتاب داشته است. بر اساس قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۶۲/۵/۲۷، قانون مبارزه با مواد مخدر با اصلاحات بعدی مصوب ۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۶۹/۴/۲۷، مصادیقی از پیشگیری پیش‌بینی شده است.^۱

۱. حضور پلیس

حضور پلیس، خطر دستگیری بزهکاران و حمایت از بزه‌دیدگان را افزایش می‌دهد. پلیس می‌تواند از طریق گشت‌های پیاده، موتور، اتومبیل، بالگرد و قایق به گشت‌زنی بپردازد. پاسگاه‌ها و کلانتری‌های^۲ ثابت و سیار، امکان حضور پلیس در صحنه را فراهم می‌کند. پلیس ایران با ایجاد مرکز فوریت‌های پلیسی (۱۱۰)، سامانه ارتباطی مناسبی برای شهروندان ایجاد کرده که در مواقع ضروری در محل بزه‌دیدگی حاضر می‌شود.

^۱ در کلیات لایحه پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۸۵/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی نیز پیشگیری انتظامی پیش‌بینی شده بود ولی در هنگام تصویب نهایی لایحه در تاریخ ۸۸/۲/۹، حذف شد. لایحه مذکور با ایرادات گسترده شورای نگهبان مواجه شد و آن شورا طی نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۶۶۲ مورخ ۸۸/۳/۲ خطاب به ریاست مجلس شورای اسلامی، ایرادات را منعکس کرد.

^۲ برای بررسی نقش کلانتری‌ها در برنامه‌های پیشگیری از جرم: موانع موفقیت کلانتری‌های تهران بزرگ در پیشگیری از سرقت و راهکارهای رفع آن. یاسین علی رحمانی، فصلنامه پیشگیری از وقوع جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۶، صص ۵۳ تا ۷۳.

پلیس می‌تواند با نصب دوربین‌های مداربسته در سطح شهر، خیابان‌ها، اماکن عمومی، پارک‌ها و... نظارت و کنترل خود را افزایش دهد.^۱

حضور پلیس، خطر دستگیری بزهکاران را افزایش می‌دهد و فرصت ارتکاب جرم را برای آنان دشوار می‌کند. در نقطه مقابل برای شهروندان احساس آرامش و امنیت را ایجاد می‌کند.

در مواردی مشاهده می‌شود که به‌طور تصادفی بزهکاران توسط گشت‌های پلیس دستگیر می‌شوند. مثلاً در قتل‌های زنجیره‌ای خفاش شب، نامبرده به‌طور کاملاً تصادفی، فردی مشکوک به نظر رسیده و دستگیر می‌شود و بعد در ضمن تحقیقات مشاهده می‌شود که نامبرده تاکنون چندین فقره قتل انجام داده است. از این موارد در بایگانی پلیس فراوان است. همچنین ایست‌های بازرسی به‌ویژه در مناطق مرزی کشور مانند استان سیستان و بلوچستان یا استان‌های هم‌جوار مانند کرمان و خراسان، بارها منجر به کشف مواد مخدر به‌طور انبوه شده است.

به‌دلیل تقسیم وظایف بین حوزه‌های جغرافیایی هر کلانتری، بعد از مدتی مأموران گشت، اشراف مناسبی نسبت به زمان و مکان بزهکاری پیدا می‌کنند که به بالا رفتن کارایی این امر کمک می‌کند. بنابراین گشت‌های پلیس را هنوز باید از کارآمدترین روش‌های پلیس در پیشگیری از وقوع جرایم دانست.

«هرچند که حضور مشهود پلیس در جامعه می‌تواند هزینه‌بر باشد، اما موجب هدایت خدمات پلیسی به نقاط جرم‌خیز و مناطقی می‌شود که از آن‌ها تماس بیشتری با پلیس گرفته شده است» (محمدنسل، ۱۳۸۷، ۱۲۵).

در صورت تجهیز پلیس به فناوری‌های GPS و GIS، به‌صورت هوشمند امکان پیشگیری از وقوع جرم فراهم می‌شود.

^۱ «افزایش بی‌رویه و بدون برنامه نیروهای پلیس نیز ممکن است به جای اثرگذاری بر پیشگیری، به عکس موجب کاهش احساس امنیت و افزایش بزهکاری در سایر نقاط باشد». به نقل از: میرخلیلی، ۱۳۸۸.

گشت‌های پلیس از این فناوری استفاده می‌کنند و به‌جای گشت تصادفی که فقط احتمال شناسایی و دستگیری بزهکاران را افزایش می‌دهد، این امکان را می‌دهند که در مکان‌های مناسب مستقر شده و وظایف خود را انجام دهند. استفاده از این فناوری به‌ویژه در راهنمایی‌وراندگی بسیار مؤثر است.

۲. نارسایی‌های پیشگیری وضعی پلیسی

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که رویکرد پیشگیری وضعی پلیسی فقط در برخی جرایم مانند سرقت، جابه‌جایی اموال مسروقه، تخلفات رانندگی، اغتشاش‌های خیابانی، مقابله با گروه‌های هرج‌ومرج‌طلب و نظایر آن‌ها مؤثر است. در جرایمی که معمولاً خارج از محدوده دید مأموران ارتکاب می‌یابد (مانند اختلاس، کلاهبرداری، چک بلامحل، ارتشا و جعل) این‌گونه اقدامات تأثیری ندارد.

در واقع از وقوع جرایمی که ارتکاب آن‌ها از نوعی پیچیدگی برخوردار است و صرفاً متکی بر فرصت‌شناسی فیزیکی بزهکاران نیست، نمی‌توان از طریق پیشگیری وضعی جلوگیری کرد.

نارسایی دیگر مربوط به جابه‌جایی مکان بزهکاری است. «زمانی که تغییر نظام گشت، موجب کاهش بزهکاری در یک محله می‌شود، در واقع ما به یک کاهش حقیقی و قطعی بزهکاری دست نیافته‌ایم؛ بلکه ممکن است فقط با جابه‌جا شدن بزهکاری در مکان یا در زمان، یا در نهایت با جابه‌جایی نوع فعالیت‌های مجرمانه روبه‌رو باشیم» (ریمون گسن، به نقل از میرخلیلی، ۱۳۸۷، ۲۲۴ و ۲۲۵).

نکته‌ای که مورد توجه ریمون گسن قرار گرفته است، دارای اهمیت ویژه‌ای است. مثلاً زمانی که بخشی از محله خاک‌سفید تهران پارس به‌طور کامل تخریب و به فضای سبز تبدیل شد، از حیث پیشگیری وضعی بسیار مهم بود ولی پیامد احتمالی آن که پخش شدن ساکنان اکثراً بزهکار آن مناطق در سطح شهر بود، مغفول ماند و عملاً در کل میزان بزهکاری کاهش نیافت، بلکه به سایر نقاط شهر منتقل شد.

«برخی از پژوهشگران بیان کرده‌اند که پیشگیری موقعیت‌مدار اثری موقت دارد؛ بدین معنا که فقط در زمان و مکان اجرا اثربخش است و فراتر از آن مؤثر نیست. این گروه عقیده دارند که رویکرد موقعیت‌مدار به‌طور کامل احتمال ارتکاب جرم را از میان نمی‌برد، بلکه تنها موجب می‌شود که مجرمان احتمالی در آن موقعیت مرتکب بزه نشوند. ولی اگر در زمان و مکانی دیگر، موقعیتی دیگر فراهم شود، مرتکب جرم می‌شود» (نیازپور، ۱۳۸۷، ۲۰۳).

بنابراین اجرای طرح‌های پیشگیرانه وضعی پلیسی ممکن است سبب انحراف در تشخیص میزان واقعی بزهکاری در جامعه شود. این آمار در کوتاه‌مدت و در منطقه اجرای طرح صحیح است ولی معنای آن کاهش میزان بزهکاری با همان درصد در کل کشور نیست؛ زیرا سبب جابه‌جایی بزهکاران و تغییر شیوه‌های ارتکاب جرم می‌شود. بزهکاران معمولاً هشیارتر از پلیس عمل می‌کنند. بلافاصله با آگاهی از مکان‌های اجرای طرح، منطقه بزهکاری را تغییر داده یا زمان‌های مناسب‌تری را انتخاب می‌کنند. فقط بزهکاران عادی و غیرحرفه‌ای در این گونه طرح‌ها در دام پلیس گرفتار می‌شوند و بزهکاران حرفه‌ای به‌ویژه در جرایم سازمانی^۱ مانند شبکه‌های توزیع مواد مخدر و فساد و فحشا کمتر آسیب می‌بینند.

۳. اماکن جرم‌خیز^۲

جرایم در هر مکان و نقطه‌ای از شهر امکان وقوع دارند، ولی رفته‌رفته محله‌هایی در هر شهر به‌دلیل فقر، مهاجرت، ملاحظات قومی و نژادی و... به وجود می‌آید که به مکان‌هایی امن برای بزهکاران تبدیل می‌شوند. این اماکن موقعیت مناسب‌تری را برای

^۱ این گونه جرایم عمدتاً به‌وسیله بزهکاران سابقه‌دار ارتکاب می‌یابد. بنابراین چنانچه فرآیند اصلاح بزهکاران که ناظر به امر پیشگیری کیفری است، موفقیت‌آمیز باشد، از آن طریق می‌توان از وقوع جرم در آینده جلوگیری کرد. تقویت نهادهای مراقبت بعد از خروج نیز تأثیر بسزایی در این خصوص خواهد داشت. ولی پیشگیری وضعی پلیسی توفیق زیادی در مقابله با این گونه جرایم نخواهد داشت.

^۲ *delinquency areas.*

ارتکاب جرم فراهم می‌کنند و انگیزه افراد را برای نقض قانون افزایش می‌دهند. این اماکن محله‌های جرم‌خیز نامیده می‌شوند. محدوده جغرافیایی این محله‌ها، در مواردی گاهی به یک پارک، سینما و خیابان محدود می‌شوند، ولی در مواردی منطقه مسکونی وسیعی را در بر می‌گیرند.

کلیفورد آرشاو معتقد بود که بین بزهکاری و محیط زیست افراد به‌نحوی رابطه وجود دارد. به همین دلیل وی پژوهش‌هایی را در ارتباط با مکان‌های جرم‌خیز انجام داد. یافته‌های اصلی او به‌طور خلاصه چنین بود:

«در نواحی بزه‌خیز، سنت‌های عرفی، نهادهای محله‌ای و افکار عمومی که از آن طریق بر رفتار کودکان نظارت می‌کنند، به‌طور عمده فروپاشیده‌اند» (ولد، ۲۰۲). این محله‌ها به اماکنی امن به‌ویژه برای مصرف و توزیع مواد مخدر، فحشا و روسپی‌گری، قمار، اخاذی، ولگردی، نگهداری و خرید و فروش سلاح‌های سرد و گرم و اغفال کودکان و نوجوانان تبدیل می‌شوند.

رمال‌ها، کف‌بین‌ها و نظایر آن‌ها نیز در این اماکن ساکن شده و از این طریق وجوه زیادی را از شهروندان ناآگاه کلاهبرداری می‌کنند. وجود این اماکن حتی بر سایر شهروندان مطیع قانون نیز تأثیر منفی می‌گذارد و آنان را نیز تحریک به بزهکاری می‌کند.^۱

پلیس با نظارت و کنترل بر این محله‌ها می‌تواند بر کاهش جرم در جامعه اثر بگذارد، به‌ویژه که در شهر تهران، برخی از پارک‌ها، محله‌های قدیمی و فقیرنشین و حاشیه شهر به این‌گونه اماکن تبدیل شده‌اند. پلیس ایران در چند سال گذشته اقدام‌های مثبتی در جهت شناسایی و پاکسازی این اماکن انجام داده است. اجرای عملیات

^۱ در نظریه پنجره‌های شکسته و سیاست تسامح صفر به‌خوبی مبانی این دیدگاه تحلیل شده است. رک.: جوانمرد، بهروز (۱۳۸۸)، تسامح صفر، سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرایم خُرد، میزان.

موفقیت‌آمیز در خاک‌سفید تهران پارس، پارک جنگلی لویزان و چندین محله مخصوص خرید و فروش اموال مسروقه از جمله این موارد است.^۱

پلیس نمی‌تواند با تشکیل پاسگاه و کلانتری‌های ویژه در این مناطق و استفاده از گشت‌های ویژه از شکل‌گیری مجدد این مناطق جلوگیری کند. برخی از ساکنان معمولی این مناطق که به دلیل فقر شدید، زندگی در این مناطق را انتخاب کرده‌اند، باید شناسایی و با کمک نهادهایی نظیر کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی، وزارت مسکن، شهرداری‌ها و... به مکان‌های مناسبی منتقل شوند. در غیر این صورت، صرف عملیات پلیسی موفقیت چندانی به دست نخواهد آورد.

این‌گونه محله‌ها برخلاف سایر محله‌ها نهادهای فرهنگی، ورزشی و تفریحی ندارند و یا اگر هم داشته باشند، متناسب با جمعیت این مناطق نیستند. بنابراین تقویت فرهنگسراها، مساجد، حسینیه‌ها، باشگاه‌های فرهنگی و ورزشی و مؤسسات آموزشی می‌تواند نقش مهمی در تغییر بافت این مناطق ایفا کند.

۴. پلیس محله

پلیس می‌تواند با همکاری و مشارکت مردم، در هر محله متناسب با بافت جغرافیایی شرایط محیطی و جمعیتی، افرادی را آموزش داده و در محل مستقر کند. حضور پلیس محله که در واقع نگهبان محله است، در کاهش جرایم به‌ویژه سرقت از منازل و خودروها بسیار مؤثر است. در محله‌هایی از شهر تهران که طرح یادشده اجرا شده، موفقیت بالایی در کاهش جرم به دست آمده است. با توجه به تأمین هزینه نگهبان محله توسط مردم همان محل، عملاً هیچ هزینه‌ای برای دولت نیز ایجاد نخواهد شد و به‌نوعی به افزایش اشتغال نیز کمک می‌کند.

^۱ در این خصوص رک: سخنرانی سردار عزیزالله رجبزاده در اختتامیه اولین همایش ملی

وجود پلیس محله، موجب افزایش امنیت روانی شهروندان به‌ویژه هنگام شب، ایام تعطیل و مسافرت خواهد شد و تجهیز آنان به بی‌سیم که ارتباط با مراکز پلیس را تسهیل می‌کند، می‌تواند به افزایش کارایی آنان منجر شود.

ب- پیشگیری محیطی

یکی از گونه‌های پیشگیری وضعی، بررسی تأثیر محیط زندگی و معماری شهرها بر میزان بزهکاری است. رعایت معیارهایی در اصول شهرسازی، رعایت اصول ایمنی در ساختمان‌ها، نصب تجهیزات ایمنی ضروری و... تا حدود زیادی می‌تواند بر کاهش جرم مؤثر باشد. این مباحث رفته‌رفته به ظهور رشته مطالعاتی مستقل تبدیل شد که از آن به پیشگیری محیطی، پیشگیری از طریق معماری و شهرسازی، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۱ و طراحی عاری از جرم^۲ تعبیر می‌شود.

اصطلاح پیشگیری از جرم از رهگذر طراحی محیطی را نخستین بار^۳ در سال ۱۹۷۱ پروفیسور سی. ری جفری، جرم‌شناس آمریکایی، در کتاب خود به همان نام به کار برد. پیشگیری محیطی بر این مفهوم ساده مبتنی است که جرم تا اندازه‌ای پیامد فرصت‌های برخاسته از محیط است. «اکنون که چنین است، دگرگونی محیط فیزیکی، به‌منظور کاستن ارتکاب جرم باید امکان‌پذیر شود» (کُلکوهن، ۱۳۸۷، ۱۰۹).

پیشگیری محیطی از وقوع جرم، با تلفیق داده‌های جرم‌شناسی و اصول نوین معماری و شهرسازی، سعی در ایجاد مکان‌هایی دارد که امکان وقوع جرم را تا حد ممکن کاهش می‌دهد.

¹ *Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED)*

² *out crime*

³ برای آگاهی بیشتر از سیر نظریه‌پردازی پیرامون CPTED رک: محمودی جانکی، فیروز؛ قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۸۸)، نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، مندرج در فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲، ۳۴۵ تا ۳۵۳.

بسیاری از جرایم، به‌ویژه سرقت، تجاوز به عنف، تخریب و آتش‌سوزی عمدی در منازل مسکونی و اماکن عمومی رخ می‌دهد.

در طراحی و ساخت منازل مسکونی، اماکن عمومی، خیابان‌کشی‌ها و... باید اصولی را مورد توجه قرار داد تا میزان جرایم از نظر موقعیت مکانی به حداقل ممکن کاهش یابد. زیرا بزه‌کاران برای ارتکاب جرم، بهترین فرصت‌طلبان هستند که از هر روزنه‌ای برای ارتکاب جرم بهره می‌جویند. این فرصت‌ها را باید از آنان گرفت.

هرچه بزه‌کاران بیشتر احساس ناامنی و آسیب‌پذیری کنند، کمتر ممکن است مرتکب جرم شوند (کلکوهن، ۱۳۸۷، ۳۶).

در این رشته مطالعاتی، به تبیین رابطه بین محیط زندگی و بزهکاری پرداخته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که با تغییراتی در خصوص معماری منازل، خیابان‌ها، نماهای ساختمان، روشنایی و... می‌توان بر میزان بزهکاری تأثیر گذاشت. رنگ‌ها، صداها، هوا و نظایر آن‌ها به‌طور مستقیم بر رفتار انسان‌ها اثر می‌گذارد. استفاده از رنگ‌های آرام‌بخش، جلوگیری از آلودگی هوا و آلودگی صوتی و نظایر آن می‌تواند بر سلامت روانی انسان و رفتار وی مؤثر باشد. این‌گونه از پیشگیری، یکی از ایرادات مهم وارد بر پیشگیری وضعی را هم برطرف می‌کند. در جرایم غیرعمدی که عنصر معنوی آن خطای جزایی است و مبتنی بر مقصد مجرمانه و فرصت‌شناسی قبلی بزهکاران نیست، چگونه می‌توان از پیشگیری وضعی استفاده کرد؟ یا انتخاب عقلانی بزهکاران که مبنای دیگر این نظریه است، چگونه در جرایم غیرعمدی کاربرد پیدا می‌کند؟ در پیشگیری محیطی به این ایراد پاسخ داده می‌شود. زیرا موقعیت‌های بزه‌آفرین وجود ندارند یا به حداقل رسیده‌اند؛ بنابراین فرض‌های خطا و غیرعمد را پوشش می‌دهد. مثلاً در خیابان‌کشی‌ها وجود پیاده‌روهایی که عابر به راحتی در آن‌ها تردد می‌کند و با حفاظ‌های مناسب از خیابان جدا شده‌اند، خطر تصادفات رانندگی ناشی از بی‌احتیاطی راننده را کاهش می‌دهد. همچنین پل‌های عابر پیاده که امکان تردد شهروندان را فراهم کرده، خطر تصادفات و در نتیجه بزه‌دیدگی را کاهش می‌دهد. وجود روشنایی، دید مناسب برای رانندگی ایجاد

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می‌باشد

می‌کند و در نتیجه حوادث را کاهش می‌دهد. در مورد سایر مباحث مرتبط با پیشگیری محیطی نیز همین مصادیق صادق است.

۱. منازل مسکونی

سرقت از منازل، تهدیدی جدی برای شهروندان است. ممکن است داروندار افراد به سرقت رود و از نظر روانی هم همیشه احساس ترس و ناامنی را همراه آنان کند.

پول نقد، طلا و جواهر، فرش، اشیای قیمتی، وسایل دیداری و شنیداری و اشیای یادگاری که دارای ارزش معنوی هستند، همواره در خطر سرقت قرار دارند.

داشتن مکان‌هایی برای نگهبانان و سرایداران، پارکینگ برای اتومبیل‌ها، در نظر گرفتن امکانات و تجهیزات الکترونیکی مانند دوربین‌های مداربسته، دیوارکشی و نرده‌کشی پنجره‌ها و درب‌های ایمن، حفاظ‌گذاری و آیفون‌های تصویری درب بازکن، از جمله اهم موارد لازم در مورد منازل مسکونی هستند.

اسکار نیومن در کتاب فضای قابل دفاع، به تحلیل ارکان اصلی طراحی محیطی پرداخت.

«این رکن‌ها که به‌تنهایی یا با هم در مفهوم فضای قابل دفاع نقش دارند، عبارتند از: قلمروداری، نظارت، نمای ساختمان و مجاورت محل سکونت با دیگر امکانات و تأسیسات» (کلکوهن، ۱۳۸۷، ۸۸).

امکان نظارت و کنترل ساکنان بر راه‌های ورودی و خروجی ساختمان، پنجره‌های ایمن و مجهز به حفاظ، رؤیت‌پذیری به همه مکان‌های درونی (مانند پلکان، راهروها، آسانسور) و مکان‌های بیرونی (مانند خیابان، کوچه‌ها و ساختمان‌های مجاور)، از اهمیت ویژه‌ای در طراحی برخوردار است.

۲. خیابان‌ها

شهروندان، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، اوقات بسیاری را در خیابان سپری می‌کنند. امنیت خیابان‌ها، نقش بسیاری در افزایش ایمنی شهروندان دارد.

طراحی کوچه‌ها، خیابان‌ها و بزرگراه‌ها، فقط از جهت رفت‌وآمد سریع و آسان، کنترل ترافیک و آلودگی هوا دارای اهمیت نیستند؛ بلکه از این جهت نیز مورد توجه‌اند که مکان‌های مناسبی برای ارتکاب جرم هستند.

از روشنایی مناسب آن‌ها در شب که مورد توجه بکارها قرار گرفت (بکارها، همان، ۱۱۲) تا دسترسی آسان، قابلیت عبور، نظارت و کنترل از موضوعاتی هستند که در رابطه با جرم مورد توجه قرار گرفته‌اند.

ایجاد پارکینگ‌های عمومی متناسب با هر منطقه، جداسازی خیابان‌ها از پیاده-روها به‌وسیله نرده یا دیوارهای بتونی، روشنایی و نور کافی در شب‌ها، درخت‌کاری حاشیه خیابان‌ها، نصب دوربین‌های مداربسته، نصب علائم راهنمایی و رانندگی، نصب سرعت‌گیر در مکان‌های ضروری و ایجاد مسیرهای اضطراری برای آمبولانس‌ها، ماشین‌های آتش‌نشانی و پلیس، از اهم مواردی است که در طراحی محیطی باید به آن توجه کرد.

خیابان‌های بن‌بست در مناطق مسکونی، چنانچه به‌وسیله نگهبان محله کنترل شوند، ارتکاب جرم را به حداقل می‌رسانند؛ ولی در صورت عدم نظارت و کنترل ممکن است به مکان‌هایی امن برای بزهکاری تبدیل شوند.

طراحی خیابان‌ها به‌ویژه در اماکن مسکونی و تجاری از اهمیت خاصی برخوردار است. پل‌های عابر پیاده، نصب سرعت‌گیر به‌ویژه در مقابل مدارس و اماکن پرزدحام و وجود پیاده‌روهایی با عرض حداقل سه متر در حاشیه خیابان‌ها، تأثیرات مهمی در کاهش بزهکاری و تصادفات رانندگی و آسیب به شهروندان خواهد داشت.

تلفیق مناسب از درختکاری و روشنایی مناسب در خیابان‌ها و پیاده‌روها، در افزایش امنیت روانی شهروندان بسیار مؤثر خواهد بود.

خیابان ولی عصر (عج) در تهران، مثال مناسبی است. پیاده‌روها که سنگ‌فرش شده‌اند، فضای مناسبی برای تردد شهروندان ایجاد کرده است. درخت‌های کهنسال، سایبان مناسبی ایجاد کرده‌اند که به همراه نصب نیمکت‌ها، مانع ورود اتومبیل و موتورسیکلت بوده و در افزایش امنیت و کاهش ترس و بزهکاری شهروندان بسیار مؤثر هستند.

نمونه دیگر بلوار کشاورز است که این فضاها در وسط خیابان هم طراحی شده است. قابلیت پیاده‌روی در این خیابان مناسب‌تر است؛ زیرا به دلیل دوطرفه بودن خیابان، موقعیت مناسب‌تری ایجاد شده است. اصولاً خیابان‌های دوطرفه بر خیابان یک‌طرفه ترجیح دارد.

فضاهای سبز در حاشیه‌ها و وسط خیابان یادشده در افزایش ایمنی و حفاظت، به‌ویژه هنگام وزیدن بادهای شدید، نیز مؤثر است. این‌گونه خیابان‌ها به‌ویژه اگر در محله‌های مسکونی وجود داشته باشند، یک فضای چندمنظوره خواهند بود که با ایجاد قابلیت پیاده‌روی برای شهروندان، در افزایش صمیمیت و همبستگی آنان مؤثر خواهد بود.

روشنایی خیابان‌ها، کوچه‌ها و محله‌ها تأثیر زیادی در کاهش ترس و احساس ایمنی شهروندان دارد و به دلیل افزایش نظارت و کنترل، بزهکاری را کاهش داده و خطر شناسایی و دستگیری بزهکاران را افزایش می‌دهد. این وسایل باید دور از دسترس افراد قرار داشته باشند و در مقابل باران، برف، بادها و حوادث طبیعی دیگر مقاوم باشند. اگر نصب دوربین‌های مداربسته در اماکن عمومی و راه‌ها مورد اعتراض فعالان حقوق بشر قرار گرفته، روشنایی این اماکن منافاتی با موازین حقوق بشر و آزادی‌های مدنی ندارد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که روشنایی خیابان به‌طور مستقیم بر کاهش جرم تأثیر نمی‌گذارد؛ بلکه ضریب کنترل و نظارت را افزایش می‌دهد و بدین وسیله ارتکاب جرم را برای بزهکار سخت‌تر می‌کند.

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام و ذکر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا مجاز می‌باشد

۳. اماکن عمومی

اماکن عمومی، مکان‌هایی هستند که عموم شهروندان امکان رفت‌وآمد و دسترسی به آن‌ها را دارند؛ مانند خیابان‌ها، پارک‌ها، سینما، مساجد، باشگاه‌های ورزشی، فرهنگسراها، مناطق تفریحی خارج از شهرها، کنار دریا، جنگل‌ها و فروشگاه‌ها. این اماکن، فضاهای مناسبی برای ارتکاب جرم هستند. سرقت، ایجاد مزاحمت، آلودگی زیست‌محیطی، هیاهو و جنجال،^۱ سروصدای زیاد و خرید و فروش و توزیع مواد مخدر، از جمله جرایمی هستند که در این مکان‌ها واقع می‌شوند. این اماکن، مستعد حوادث غیرعمدی مانند تصادفات رانندگی، ریزش بناها، مصدومیت ناشی از ازدحام و نظایر آن نیز هستند. ارائه خدمات بهداشتی مناسب، حمل‌ونقل مطلوب، جمع‌آوری مکانیزه زباله-ها، مراقبت‌های زیست‌محیطی، نظارت و کنترل همگانی و مراقبت پلیس و نهادهای عمومی، تأثیر بسزایی در کاهش جرم در این اماکن خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

پیشگیری وضعی با تأکید بر وضعیتی که رفتار در آن واقع می‌شود و تحلیل موقعیت زمانی و مکانی ارتکاب جرم، نگرش متفاوتی را نسبت به دیدگاه علت‌شناسی جرم ایجاد کرده است. به‌عبارت‌دیگر موقعیت‌های زمانی و مکانی را مؤثر در علل بزهکاری می‌داند. این نگرش آثار مهمی در شیوه کار دستگاه عدالت کیفری (به‌ویژه پلیس) ایجاد کرد و موجب ارتقای جایگاه پلیس در مقابله با بزهکاری از طریق پیشگیری از جرم شد. پلیس با مجهز شدن به ابزارها و تجهیزات لازم مانند دوربین‌های

^۱ در ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیرمتعارف با تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی شود یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یکسال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». و در ماده ۶۱۹ همان قانون آمده است: «هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین کند: به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

مداربسته، GIS GPS، گشت‌های سیار و ثابت، سامانه ارتباطی مستقیم با شهروندان مثل مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ در ایران و نظایر آن‌ها، موفقیت‌های مهمی در پیشگیری از جرم به دست آورده است. گونه دیگر پیشگیری، یعنی پیشگیری محیطی نیز با همین رویکرد و با جلب نهادهای عمومی مانند شهرداری‌ها و نهادهای مردمی، موقعیت مناسبی برای کاهش جرم ایجاد کرده است.

در این‌گونه از پیشگیری، دانش‌های دیگری نیز مانند معماری و شهرسازی به‌نحو مناسبی با جرم‌شناسی در می‌آمیزد تا بتواند فضای قابل دفاع و امنی را برای شهروندان ایجاد کند. پیشگیری وضعی دارای نارسایی‌های مهمی است. تمرکز بر وضعیت و موقعیت، هرچند موجب کاهش جرم خواهد شد و با افزایش خطر دستگیری برای بزهکاران، به پیشگیری از وقوع جرم کمک می‌کند، ولی به‌دلیل بی-توجهی به علل ارتکاب جرم، از جامعیت لازم برخوردار نیست، برنامه‌ای برای اصلاح و تغییر رفتار بزهکاران ندارد و در نتیجه منجر به جابه‌جایی مکان و زمان بزهکاری و تغییر الگوهای بزهکاری می‌شود.

بزهکاران می‌توانند با سازمان‌دهی به‌صورت حرفه‌ای عمل کرده و بر این موانع که صرفاً فیزیکی هستند، غلبه کنند یا از طریق پرداخت رشوه به افراد فاسد، اطلاعاتی را از درون سیستم پلیس به دست آورند و موقعیت زمانی و مکانی ارتکاب جرم را برای خود خلق کنند.

از طرفی، در خصوص جرایمی که موقعیت‌های زمانی و مکانی در آن نقش اساسی ندارند و به‌عبارت‌دیگر فرصت‌مدار نیستند،^۱ تأثیری در کاهش جرم ندارد. در رابطه با جرایمی مانند اختلاس، ارتشا، تبانی در معاملات دولتی و... این نوع پیشگیری تأثیری ندارد.

^۱ . برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: صفاری، علی (۱۳۸۱)، انتقادات وارده بر پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، شماره ۳۵-۳۶، صص ۲۰۵-۲۱۰.

اشکال دیگر بنیادی‌تر است. پیشگیری وضعی خطر جرم را از بین نمی‌برد؛ زیرا بزهکار به دلیل موقعیت نامناسب عقب‌نشینی کرده ولی بزهکاری را رها نکرده است. باید این واقعیت را پذیرفت که جرم یک پدیده واقعی است که بر اساس علل واقعی زیستی، روانی، اجتماعی و... ایجاد می‌شود. تا زمانی که زمینه‌های اصلی ارتکاب جرم از بین نرود، زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اصلاح نشود و تعلیم و تربیت و اصلاح رفتار افراد مورد تأکید قرار نگیرد، خطر واقعی بزهکاری از بین نمی‌رود. بنابراین موفقیت برنامه‌های پیشگیری وضعی در درازمدت در گرو اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های پیشگیری اجتماعی، رشدمدار و حتی پیشگیری کیفری است.

فهرست منابع

- اشنايدر، ريچارد؛ كيچن، تاد (۱۳۸۷)، برنامه‌ريزي (شهري) براي پيشگيري از جرم، ترجمه دكتور فرزنان سجودي، تهران، ميزان.
- بكاريا، سزار (۱۳۸۷)، رساله جرايم و مجازات‌ها، ترجمه دكتور محمدعلي اردبيلي، چاپ پنجم، تهران، ميزان.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۸۸)، تسامح صفر؛ سياست كيفري سخت‌گيرانه در قبال جرايم نخرد، چاپ اول، تهران، ميزان.
- شيري، عباس (۱۳۸۷)، پيشگيري از نظريه و مدل، پليس و پيشگيري از جرم، زير نظر دكتور علي حسين نجفي ابرندآبادي، دانشكده حقوق و علوم سياسي دانشگاه تهران، دفتر تحقيقات کاربردي پليس پيشگيري ناجا.
- صفاري، علي (۱۳۸۰)، مباني نظري پيشگيري از وقوع جرم، مجله تحقيقات حقوقي، شماره ۳۳-۳۴، دانشگاه شهيد بهشتي، دانشكده حقوق.
- صفاري، علي (۱۳۸۱)، انتقادات وارده بر پيشگيري وضعي از جرم، مجله تحقيقات حقوقي دانشگاه شهيد بهشتي، دانشكده حقوق، شماره ۳۵-۳۶.
- كلكوهن، ايان (۱۳۸۷)، طراحي عاري از جرم؛ ايجاد مناطق امن و پابدار، ترجمه دكتور مهرداد رايچيان اصلي؛ دكتور حميدرضا عامري سياهويي، چاپ اول، تهران: ميزان.
- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷)، پليس و سياست پيشگيري از جرم، دبیرخانه همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، دفتر تحقيقات کاربردي پليس پيشگيري ناجا.
- محمودي جانكي، فيروز؛ قورچي بيگي، مجيد (۱۳۸۸)، نقش طراحي محيطي در پيشگيري از جرم، فصلنامه حقوق مجله دانشكده حقوق و علوم سياسي، دوره ۳۹، شماره ۲.
- ميرخليلي، سيدمحمود (۱۳۸۸)، پيشگيري وضعي از بزهكاري با نگاهي به سياست جناباي اسلام، چاپ اول، قم؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي.
- نجفي ابرندآبادي، علي حسين (بي تا)، بزهكاري و پليس محلي، مجله تحقيقات حقوقي، شماره ۱۹-۲۰.
- نجفي ابرندآبادي، علي حسين (۱۳۸۲)، تقريرات درس جرم‌شناسي (پيشگيري)، مقطع تحصيلي كارشناسي ارشد، مجتمع آموزش عالي قم.
- نجفي ابرندآبادي، علي حسين؛ هاشم‌بيگي، حميد (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم‌شناسي، انگليسي، فرانسه، فارسي، چاپ اول، تهران، دانشگاه شهيد بهشتي.
- نيازپور، اميرحسن (۱۳۸۷)، بزهكاري به‌عادت؛ از علت‌شناسي تا پيشگيري، تهران: فکرسازان.
- ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اسپينسن، جفري (۱۳۸۰)، جرم‌شناسي نظري (گذري بر نظريه-هاي جرم‌شناسي)، ترجمه علي شجاعی، تهران، سمت.

هرگونه استاده از این مطالب فقط با ذکر نام دفتر تحقيقات کاربردي پليس پيشگيري ناجا مجاز مي باشد